

زندگانی سیاسی

ناصر الملک

○ رامین یلفانی

فهرست مطالب

مقدمه	الف - ج
فصل اول	
پیشینه خانوادگی - محمودخان ناصرالملک	۱
فصل دوم	
ابوالقاسم خان قراگزلو در دوران ناصرالدین شاه	۱۵
فصل سوم	
ناصرالملک در دوران سلطنت مظفرالدین شاه	۴۳
۱- وزارت مالیه در دوران صدارت امین الدوله	۴۹
۲- حکومت کردستان (۲۳ رمضان ۱۳۱۸ - ۱۲ محرم ۱۳۲۳)	۵۹
۳- وزارت مالیه در دوران صدارت عین الدوله	۷۱
۴- وزارت مالیه در دوران صدارت مشیرالدوله	۸۷
فصل چهارم	
ناصرالملک و دوران سلطنت محمدعلی شاه	۹۲
۱- وزارت مالیه در دوران صدارت مشیرالدوله، وزیر افخم، امین السلطان	۹۲
۲- ریاست الوزرای ناصرالملک	۱۲۳

۳- تأثیرات قرارداد ۱۹۰۷ در ایام کابینه ناصرالملک ۱۳۵

۴- اقامت در اروپا ۱۵۱

فصل پنجم

نیابت سلطنت ناصرالملک ۱۶۸

۱- ایجاد فراکسیونهای حزبی در مجلس شورای ملی ۱۹۹

(دوره دوم تقنینیه)

۲- سوگند ناصرالملک به نیابت سلطنت - کابینه سپهدار ۲۱۰

۳- ورود مورگان شوستر، مراجعت محمدعلی شاه، سقوط ۲۲۵

دولت سپهدار، کابینه صمصام السلطنه، التیماتوم روسیه،

انحلال مجلس دوم

فصل ششم

از انحلال مجلس دوم تا تاجگذاری احمدشاه قاجار و ۲۶۸

بازگشایی مجلس سوم شورای ملی

فصل هفتم

شخصیت، منش، جایگاه و خاندان ابوالقاسم خان ناصرالملک ۳۲۱

□ نامهای اشخاص ۳۳۵

مقدمه

ابوالقاسم خان قراگزلو (۱۲۸۲ - ۱۳۴۶ هـ.ق) ملقب به «ناصرالملک»، از رجال مشهور اواخر دوران قاجاریه و یکی از مهمترین چهره‌های تاریخ سیاسی ایران در این دوران است. با اینکه وی مدت چهار سال نایب‌السلطنه احمدشاه قاجار بوده و در این سالهای بحرانی از او هزاران سند و نامه باقی مانده است، ولی متأسفانه تاکنون از او شناخت صحیحی نداریم و اندک شناختی هم که داریم مستند نیست. مقطع زمانی مورد بحث در این کتاب، از اواخر دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه تا ابتدای سلطنت احمدشاه است. لازم بود که سخن را با اشاره‌ای به اصل و تبار ناصرالملک، خاصه جد وی، یعنی محمود خان ناصرالملک که از مقامات بلندپایه و برجسته عصر ناصری بوده آغاز نماییم و همچنین در مقطع زمانی مذکور، به واقعه بزرگ نهضت مشروطیت و بسیاری از رویدادهای مهم آن دوران به اختصار اشاره کنیم. اما چون از ابتدا سعی ما بر این بوده که فقط به نقش و تأثیر و شخصیت سیاسی ناصرالملک پردازیم، ناچار از این کار امتناع ورزیدیم.

در بیشتر آثار به جامانده از دوره قاجار و نیز دوره معاصر نظر مساعدی نسبت به ابوالقاسم خان ناصرالملک ابراز نشده و حتی گاهی از او به بدی یاد شده است. این موضوع، نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی همه‌جانبه و وسیع‌تری درباره ناصرالملک پردازد تا قضاوت نهایی را برای خوانندگانی که با شخصیت دوگانه ناصرالملک روبه رو شده‌اند، سهل‌تر سازد. البته مغترفم که در این تحقیق از اشتباه و خطا مصون نبوده‌ام.

باری این پژوهش بر پایه اسناد خانوادگی و خصوصی خاندان ناصرالملک، که

در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر نگهداری می‌شود و نیز سایر منابع منتشر شده قرار گرفته است. نگارنده برای دستیابی و استفاده هر چه بیشتر از آن اسناد ناچار شد مجموعه اسناد یکصد و هشتاد هزار برگی «ناصرالملک» را که قسمت اعظم آن بسیار فرسوده بود بررسی و مطالعه نماید. گفتنی است مطالب این کتاب و برداشتهایی که از اسناد مذکور در آن به عمل آمده، برای اولین بار است که مطرح می‌شود. بعضی از آن اسناد یا مکتوبات، بی نظیر و منحصر به فرد است و بی شک مورخان یکصد سال اخیر تاکنون از آن محروم بوده‌اند. این اسناد تا آن حد ارزش تاریخی دارد که می‌تواند مورخان امروزی را از مراجعه به بسیاری از منابع بی‌نیاز کند. قسمت اعظم این اسناد راجع به مسائل بسیار شخصی و خصوصی و خانوادگی، و گزارشهای مباشران املاک یا تظلم و شکایات رعایای ناصرالملک بود که طبعاً نمی‌توانست گرهی از مسائل سیاسی آن روزگار بگشاید، ولی مطالعه و بررسی آنها ضروری بود، زیرا احتمال داشت مطالب مهمی در آن اسناد نهفته باشد. صدها و بلکه هزاران نامه و مکتوب بسیار مهم از خاندان ناصرالملک به زبانهای انگلیسی و فرانسه باقی مانده که به طور کامل ترجمه نشده و دارای مطالب بسیار مهمی است. تدقیق در مطالعه این اسناد، که بسیاری از آنها فرسودگی شدید پیدا کرده‌اند، برای نگارنده خالی از اشکال نبوده است. مهمتر اینکه مجموعه اسناد مذکور شامل نامه‌ها و مکتوبات خصوصی و اداری و سیاسی محمودخان، ابوالقاسم خان، فرزندان او، و متضمن احوالات خانوادگی، شخصی، رسمی، اداری، و تحصیلی آنان است که تاکنون تفکیک و طبقه‌بندی نشده و از این جهت ناگزیر حجم عظیمی از اسناد می‌بایست مطالعه می‌شد تا سند مهمی یافت شود. در بعضی از مباحث این کتاب به علت فقدان سند، به سند مشخصی ارجاع داده نشده، ولی در عوض به روزنامه‌های وقت که موجود است ارجاع داده شده است. نگارنده خود اذعان دارد که این تحقیق خالی از اشکال نیست و چه بسا بتوان لغزشهای فراوان در آن دید. از این جهت از خوانندگان عالم و نکته‌سنج پوزش می‌خواهم و در عین حال چشم امید به راهنماییها و تذکرات آنان دارم.

در خاتمه، باید از راهنماییهای صمیمانه و ارزشمند استاد عزیز جناب آقای دکتر عبدالحسین نوایی یاد کنم که علی رغم مشغله فراوان، زحمت مطالعه دستنویس را تقبل فرمودند و بسیاری از ایرادهای نوشتاری و محتوایی را تصحیح نمودند و نگارنده را مرهون لطف خویش ساختند. همچنین از جناب آقای عبدالله شهبازی کمال تشکر را دارم که از ابتدای کار با تشویقهای مکرر و فراهم آوردن امکانات، راهگشای این پژوهش بوده‌اند.

نیز از پرسنل واحد مرکز اسناد و کتابخانه که نیز با نگارنده همکاریهای صمیمانه داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

پیشینه خانوادگی (محمودخان ناصرالملک)

قراگزلوها طایفه‌ای در همدان بودند که با اظهار انقیاد و وفاداری کامل نسبت به آقامحمدخان او را در براندازی خاندان زند (جعفرخان و لطفعلی خان) یاری دادند. پس از آقامحمد خان به یاری و کمک نظامی فتحعلی شاه،^۱ به خصوص در نواحی غربی ایران،^۲ شتافتند. افواجی که این طایفه به سرکردگی مردان برگزیده‌اش برای شرکت در لشکرکشیهای دولت قاجاری به مناطق مختلف گسیل می‌داشت، به تدریج تبدیل به رکن مهمی در قوای نظامی کشور گردید. بدین طریق عده‌ای از رؤسای طایفه قراگزلو با شرکت در عملیات نظامی، ضمن افزایش قدرت و نفوذ و منافع محلی، در دربار و حتی دستگاه سلطنتی جای گرفتند. به بیان دیگر باید گفت قراگزلوها، که در میان آنان صاحبان قلم و سیاست نیز کم نبود، از بازوهای نظامی دولت قاجاری به‌شمار می‌رفتند. اینان با اینکه در نواحی غرب ایران، حافظ منافع دولت مرکزی بودند، بارها به مأموریت‌های مختلف در جنوب و شرق و شمال رفته، با افغانها و انگلیسیها و روسها درگیر می‌شدند. روی هم رفته، باید گفت قراگزلوها حقی عظیم به گردن دولت قاجاری داشته‌اند.

یکی از سرداران قراگزلو که در خدمت نظامی سلسله قاجار بود، سرتیپ

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ابن عبدالکریم علی‌رضا شیرازی. تاریخ زندیه. به اهتمام و تصحیح ارنست بشیر.

ترجمه غلامرضا ورهرام. تهران، گستره، ۱۳۶۵. ص ۵۷؛ رضاقلی خان هدایت. روضةالصفاء. (چاپ ۱۳۳۹)،

ج ۹، ص ۱۹۲.

۲. روضةالصفاء، ج ۹، ص ۴۲۸.

نبی خان، از تیره عاشق‌لو، بود که سرکردگی افواج آن طایفه را در زمان سرکوب افغانهای هرات، توسط الله یارخان آصف‌الدوله، به عهده داشت (۱۲۵۳ ق). زمانی که اسکندر خان دَوَلوی قاجار، که در طلیعه سپاه ایران می‌جنگید محاصره شد سرتیپ نبی خان و فوج او همراه با دیگر سرداران به یاری او شتافتند. افراد طایفه قراگزلو دلیرانه برجی را در نزدیکی یکی از دروازه‌های هرات گرفتند و به تحکیم مواضع خود پرداختند، اما همراهان آنان تاب مقاومت نیاوردند و بازگشتند. نبی خان با دویست نفر سرباز قراگزلو از برج دفاع می‌کرد و آن را از دست نمی‌داد تا آنکه ناگاه افغانها با هجوم دسته‌جمعی بر سر او تاختند و از پایش انداختند.^۱ بقیه سربازان ناچار نعرش او را برداشته پس نشستند. افواج (دو فوج) نبی خان را به فرزندانش، محمودخان و مهدی‌قلی خان، سپردند و سرانجام، فوجهای قراگزلو که نخستین دسته‌های سپاه ایران بودند به هرات وارد شده آن را تسخیر کردند.^۲ (۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۵۴ ق).

محمودخان ناصرالملک ضمن گسترش ارتباط خود با دربار، ریاست افواج قراگزلو را هم در دست گرفت و در اوایل پادشاهی ناصرالدین شاه، میرزا تقی خان امیرکبیر او را به نیابت آجودان‌باشی نیز انتخاب نمود.^۳ بنابراین، محمودخان از همان ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه دارای مناصب بوده است. او در سال ۱۲۶۹ به عنوان نایب اول سفارت ایران در سن پترزبورگ (لنینگراد) مشغول به کار گردید و سال بعد از آن پس از احضار وزیرمختار ایران، یعنی میرزا محمدحسین قزوینی (عضدالملک) به تهران، به سمت کاردار ایران منصوب شد و در ضمن لقب جناب گرفت. در سال ۱۲۷۱، محمود خان، پس از انتخاب عباسقلی خان سیف‌الملک به سفارت ایران در سن پترزبورگ، به تهران بازگشت.

۱. همان، ج ۹، ص ۴۲۸.

۲. محمدتقی لسان‌الملک سپهر. ناسخ‌التواریخ. تهران، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۳۲۱.

۳. میرزا مهدی‌خان (ممتحن‌الدوله) و میرزا هاشم‌خان شقاقی. رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری. به کوشش ایرج افشار. تهران، اساطیر، ۱۳۶۵، ص ۶۰.

در سال ۱۲۷۲ منصب میرپنج به او داده شد.^۱ به نظر می‌رسد یکی از مشاغل محمودخان قراقرلو پس از مراجعت از روسیه، استقبال و تدارک پذیرایی از نمایندگان خارجی بوده است.^۲ وی در سال ۱۲۷۵ ملقب به ناصرالملک شد^۳ و هم در این سال بود که ناصرالدین شاه در سفر به سلطانیه، ریاست قوای پایتخت، قورخانه و جبه‌خانه را به او سپرد.^۴

محمودخان ناصرالملک در سال ۱۲۷۷ به وزارت تجارت و صنایع انتخاب گردید و به این ترتیب عده وزرای شش‌گانه به هفت تن رسید.^۵ وظیفه این وزارتخانه و وزیر آن البته بیشتر شامل رسیدگی به دعاوی تجار بود^۶ و بیش از این هم از وزارتخانه‌ای نوپا انتظار نمی‌رفت.

از آنجا که محمودخان ناصرالملک فرزند سرداری جنگ‌آزموده، یعنی نبی‌خان، و خود نیز مردی آشنا به جنگ بود، افکار سپاهیگری خود را با وجود دارا بودن مناصب غیرنظامی مانند عضویت در شورای کبری و وزارت تجارت حفظ کرده بود. در سال ۱۲۷۷، نوعی تدبیر نظامی و لشکرکشی معقول و مدرن را برای دفع و گوشمالی دادن ترکمانان در شمال خراسان به ناصرالدین شاه پیشنهاد کرد که مأخوذ از روش روسها در تصرف نواحی ترکستان بود. اما ناصرالدین شاه اعتنایی به پیشنهاد او نکرد، در نتیجه، این لشکرکشی نیز ناکام ماند و جز شکستی مفتضحانه، نتیجه‌ای برای دولت ایران نداشت.^۷

۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. مرآة البلدان. به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۶۷. ج ۲، ص ۱۲۵۱.
۲. ناسخ‌التواریخ. چاپ ۱۳۳۷. ج ۴، ص ۳۳۹؛ محمدجعفر خورموجی. حقایق‌الآخبار ناصری. به کوشش حسین خدیوچم، تهران، زوار، ۱۳۴۴. ص ۲۲۷.
۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۴۱۲ (۱۷ جمادی‌الاول ۱۲۷۵ ق)، ص ۱.
۴. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. تاریخ منتظم ناصری. به تصحیح دکتر محمداسماعیل رضوانی. تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷. ج ۳، ص ۱۸۱۳.
۵. روزنامه دولت علیّه ایران، شماره ۴۷۲ (۱۹ صفر ۱۲۷۷ ق)، ص ۶.
۶. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. چهل سال تاریخ ایران. (تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر الماثر والآثار در احوال رجال دوره و دربار ناصری). به کوشش ایرج افشار. تهران، اساطیر، ۱۳۶۸. ج ۲، ص ۴۸۲.
۷. برای اطلاع بیشتر ر.ک: میرزا علی‌خان امین‌الدوله. خاطرات سیاسی امین‌الدوله. به کوشش حافظ

در همان سال (۱۲۷۷) محمودخان ناصرالملک، به دستور ناصرالدین شاه مأمور شد ساخت و ترمیم راه گیلان به تهران را به اتمام رساند.^۱ اقامت او در این خطه منجر به تملیک املاکی چند گردید و شاید از این تاریخ به بعد است که خاندان ناصرالملک صاحب دارایی و املاک فراوانی در گیلان شدند. ناصرالملک علاوه بر نظارت بر ساختن راه، اقداماتی هم برای کشت نیشکر در گیلان به عمل آورد.^۲ آفت بزرگ و جهانگیری که بلای جان کرم ابریشم از چین تا اروپا بود، به سال ۱۲۷۷ به ایران رسید و نتایج وخیمی دربر داشت. البته در اروپا خیلی زود و با استفاده از روشهای علمی جلو آن را گرفتند و محمودخان نیز در دفع این بلیه در ایران اقدامات جدی کرد^۳ که متأسفانه از جزئیات آن اطلاعی در دست نیست.

ناصرالملک به سال ۱۲۷۹ به سمت وزیرمختار ایران در انگلیس تعیین و رهسپار آن کشور شد.^۴ شاید این مأموریت باعث گسترده تر شدن روابط ناصرالملک با دولت و رجال انگلیس شده باشد. اکنون حجم بسیار زیادی از مکاتبات خصوصی محمودخان ناصرالملک با رجال انگلیسی موجود است که شاید اطلاعات شایان توجهی را بتوان از میان آنها استخراج کرد. از دیگر فعالیتهای مهم او در دوران وزیرمختاری، مذاکره با کمپانیهای مختلف اروپایی برای خرید کالا و ارسال آن به ایران است که هنوز مدارک بسیاری از آن باقی است، زیرا شاه و بسیاری از زمامداران ایران در این زمان تحت نفوذ افکار میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان، در فکر استفاده از کمک اروپاییان برای بهره برداری از منابع کشور بودند. بدین لحاظ در سالهای ۱۲۸۰ و ۱۲۸۱ به دستور ناصرالدین شاه، محمودخان ناصرالملک و حسنعلی خان امیرنظام وزیرمختار ایران در انگلیس و فرانسه، با کمپانیهای بسیاری در اروپا وارد مذاکره شدند. موضوعات مذاکره از تأسیسات راه آهن

→ فرمانفرماتیان. تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰. صص ۱۶ - ۱۸.

۱. روزنامه دولت علیه ایران. نمره ۵۰۸ (۹ جمادی الاخر ۱۲۷۸ ق)، ص ۲.

۲. مرآة البلدان، ج ۲، ص ۱۲۷۸.

۳. محمدعلی جمالزاده. گنج شایگان. برلین، انتشارات اداره کاوه، ۱۳۶۳ ق. ص ۲۵.

۴. مرآة البلدان. ج ۳، ص ۱۴۲۱؛ حقایق الاخبار ناصری، ص ۲۹۸.